

الله الرحمن الرحيم

به نام خدا

عربی نهایی ۲۰

(دوازدهم انسانی)

مولفان :

پیروز وجان

دکتر محبوبه پارسایی / مریم خالقی

فاطمه یوسفی مغامیر / آسیه گوک آتابای

شهناز فریادی / فاطمه لک زاد

انتشارات ارسطو

(سازمان چاپ و نشر ایران - ۱۴۰۳)

نسخه الکترونیکی این اثر در سایت سازمان چاپ و نشر ایران و اپلیکیشن کتاب رسان موجود می باشد

chaponashr.ir

عنوان و نام پدیدآور: عربی نهایی ۲۰، دوازدهم انسانی .../مولفان پیروز وجان... [و دیگران].

مشخصات نشر: انتشارات ارسطو (سازمان چاپ و نشر ایران)، ۱۴۰۳.

مشخصات ظاهری: ۱۲۴ص.:: جدول.

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۴۰۸-۲۶۹-۵

وضعیت فهرست نویسی: فیبا مختصر

یادداشت: مولفان پیروز وجان، محبوبه پارسایی، مریم خالقی، فاطمه یوسفی مگامیر، آسیه گوک آتابای،

شهناز فریادی، فاطمه لک زاد.

شناسه افزوده: وجان، پیروز، ۱۳۵۸-

شماره کتابشناسی ملی: ۹۷۴۴۰۴۸

اطلاعات رکورد کتابشناسی: فیبا

نام کتاب: عربی نهایی ۲۰ (دوازدهم انسانی)

مولفان: پیروز وجان - دکتر محبوبه پارسایی - مریم خالقی - فاطمه یوسفی مگامیر

آسیه گوک آتابای - شهناز فریادی - فاطمه لک زاد

ناشر: انتشارات ارسطو (سازمان چاپ و نشر ایران)

صفحه آرا: سولماز مدرسی

طراح روی جلد: فرید کر

ویراستار علمی و ادبی: پیروز وجان

تیراژ: ۱۰۰۰ جلد

نوبت چاپ: اول - ۱۴۰۳

چاپ: زیرجد

قیمت: ۲۸۳۰۰۰ تومان

فروش نسخه الکترونیکی - کتاب رسان:

<https://chaponashr.ir/ketabresan>

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۴۰۸-۲۶۹-۵

تلفن مرکز بخش: ۰۹۱۲۰۲۳۹۲۵۵

www.chaponashr.ir



فهرست مطالب

۵	بخش اول: قواعد
۶	الدّرسُ الأوّل: حروف مُشَبَّهه بالفعل
۱۰	الدّرسُ الثّانی: الحال
۱۲	الدّرسُ الثّالث: اسلوبُ الإستثناء و الحصر
۱۳	الدّرسُ الرّابع: المفعول المُطلق
۱۴	الدّرسُ الخامس: اسلوبُ التّداء
۱۵	بخش دوم: تحلیل کتاب بر اساس محورهای سوالات امتحان نهایی
۱۶	الدّرسُ الأوّل: الدّاء و الدّواء
۲۸	الدّرسُ الثّانی: الوجهُ النّافعُ وَ الوجهُ المُضِرُّ
۴۱	الدّرسُ الثّالث: ثلاثُ قِصَصٍ قَصِیرةٍ
۵۵	الدّرسُ الرّابع: الوجهُ النّافعُ وَ الوجهُ المُضِرُّ
۶۸	الدّرسُ الخامس: یا إلهی
۷۶	بخش سوم: سوالات درس به درس ۱
۹۷	بخش چهارم: سوالات درس به درس ۲
۱۱۹	نهایی خرداد ۱۴۰۳

اساتید و دانش‌آموزان عزیز سلام:

امتحانات نهایی و ارزش‌نمرات کسب شده در آن، چند سالی است که چالش بزرگی برای همکاران و دانش‌آموزان ایجاد کرده است که موفقیت در آن می‌تواند در تعیین سرنوشت یک دانش‌آموز با توجه به کسب نمرات خوب و در نهایت قبولی در رشته خوب خیلی حائز اهمیت باشد. منتهی تغییر رویکرد طراحی سؤالات و مفهومی شدن آن و روش تصحیح دقیق بصورت الکترونیکی، کسب نمره دلخواه و تراز خوب سوابق تحصیلی را دشوار نموده است. پس برای کسب موفقیت در پاسخگویی صحیح به سؤالات لازم است که دانش‌آموز بر کتاب درسی و محتوا و مفاهیم آن کاملاً مسلط بوده و قادر باشد به هر تیپ سوالی با تغییرات فراوان از محتوای کتاب درسی پاسخگو باشد و این مطمئناً نیاز به کتابی دارد که جزء به جزء مطالب کتاب را تشریح کند و مطابق با آن، عبارات و شاهد مثال‌های خوبی مطابق با سؤالات نهایی و حتی سخت‌تر از آن جهت آمادگی بیشتر ارائه دهد. من و اساتید بزرگوار از نقاط مختلف کشور تصمیم گرفتیم کتابی تحت عنوان **نهایی ۲۰** برای تمام پایه‌های متوسطه دوم تالیف کنیم تا پاسخگوی این نیاز شما بوده و بتواند شما را بر محتوای کتاب مسلط کند به گونه‌ای که مفهومی شدن سؤالات و تغییر عبارات کتاب توسط طراح سوال در امتحان نهایی نتواند مشکلی برای شما عزیزان ایجاد کند در پایان می‌خواهم به برخی ویژگی‌های کتاب که می‌تواند آن را از سایر کتاب‌ها متمایز کند، اشاره کنم:

۱- بررسی خلاصه‌ای از مباحث مورد نیاز قواعد پایه عربی متوسطه اول

۲- توضیح کامل قواعد درس بصورت خلاصه و مفید

۳- تحلیل کل کتاب درسی (کلمه به کلمه) جهت توانمندی بر پاسخگویی به سؤالات مفهومی

۴- سؤالات درس به درس استاندارد مطابق با آزمون‌های نهایی (هر درس ۲ سوال)

۵- تحلیل سؤالات نهایی

این کتاب می‌تواند خواسته شما را در درس عربی برآورده کند. آرزوی قلبی من و همکارانم موفقیت و سربلندی همه شما عزیزان است.

با آرزوی سلامتی و سربلندی: پیروز و جان



**بخش اول:
قواعد**

<p>مِنَ الْأَشْعَارِ الْمَنْصُوبَةِ إِلَى الْإِمَامِ عَلِيِّ عَلَيْهِ السلام</p>	<p>مَعَانِي الْحُرُوفِ الْمُشَبَّهَةِ بِالْفِعْلِ وَاللَّغْوِ لِلْجِنْسِ</p>	<p>الدَّرْسُ الأوَّل</p>
--	--	------------------------------

حروف مُشَبَّهَةٌ بِالْفِعْلِ:

این حروف که عملی شبیه به فعل دارند بر سر جمله اسمیّه وارد شده و مبتدا را به عنوان اسم خود منصوب (بِین) و خبر را به عنوان خبر خود مرفوع (وَنَ اِن) می کنند. عبارتند از: (اِنَّ - اَنَّ - لَكِنَّ - لَعَلَّ - لَيْتَ - كَأَنَّ)

اِنَّ اللهَ عَفَّارٌ الذَّنُوبِ اِنَّ: حرف مُشَبَّهَةٌ الله: اسم اِنَّ منصوب عَفَّارٌ: خبر اِنَّ مرفوع

مَعَانِي حُرُوفِ مُشَبَّهَةٌ بِالْفِعْلِ:

۱- (اِنَّ) در ابتدای جمله می آید و کلّ جمله بعدش را تاکید می کند و به عنوان تاکید کننده کلام و جمله بوده و غالباً در ترجمه آن از (همانا، بی شک، قطعاً - برآستی، بی گمان) استفاده می کنیم.

{ اِنَّ اللهَ لَا يُضَيِّعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ } بی گمان خدا پاداش نیکو کاران را تباه نمی کند.

* هرگاه حرف (ما) به حروف مُشَبَّهَةٌ متصل شود عمل حروف مُشَبَّهَةٌ باطل شده و به عنوان ادات حصر می باشد و به معنای (فقط و تنها) بوده و یک کلمه را تأکید می کند.

إِنَّمَا يَخْشَى اللهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ قطعاً دانشمندان از بین بندگانش از خدا می ترسند.

۲- (اَنَّ) در وسط دو جمله و به عنوان رابط و برای توأصل (پیوند) و به معنای (که) می باشد.

{ قَالَ أَعْلَمُ أَنَّ اللهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ } گفت: می دانم که خدا بر هر چیزی تواناست. الله: اسم اِنَّ قَدِيرٌ: خبر اِنَّ

* هرگاه اِنَّ بصورت اَنَّ بیاید به معنای زیرا و بیان علت و در جواب (لِمَاذَا) است.

لِمَاذَا مَا ذَهَبْتَ إِلَى الْمَدْرَسَةِ لِأَنِّي كُنْتُ مَرِيضاً چرا به مدرسه نرفتی؟ برای اینکه مریض بودم.

* اِنَّ و اَنَّ حرف مُشَبَّهَةٌ با اِن شرط و اَنْ ناصبه اشتباه نشود بعد از حروف مُشَبَّهَةٌ، اسم و بعد از حروف شرط و ناصبه، فعل می آید.

۳- (لَكِنَّ) غالباً بعد از (و) و در ادامه جمله و برای کامل کردن پیام و رفع ابهام جمله قبل خود استفاده می شود.

{ اِنَّ اللهَ لَدُوٌّ فَضْلٍ عَلَى النَّاسِ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَشْكُرُونَ }

بی گمان خدا دارای بخشش بر مردم است ولی بیشتر مردم سپاسگزاری نمی کنند.

الله: اسم اِنَّ دُوٌّ: خبر اِنَّ أَكْثَرَ: اسم لَكِنَّ لا يَشْكُرُونَ: خبر لَكِنَّ

* لَكِنَّ با حرف عطف لَكِنَّ اشتباه نشود البته هر دو به معنای (ولی) است.

۴- (كَأَنَّ) برای تشبیه استفاده می‌شود و به معنای (گویی و همانند) است.

{كَأَنَّهُنَّ الْيَاقُوتُ وَ الْمَرْجَانُ} آنها مانند یاقوت و مرجاند.

* كَأَنَّ حرف مُشَبَّهَةٌ را با كَانَفعل ناقص اشتباه نکنید.

۵- (لَعَلَّ) برای جمله‌ای استفاده می‌شود که تحقق آن ممکن است (آرزوی ممکن) و به معنای (شاید و امید است) می‌باشد.

{إِنَّا جَعَلْنَاهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ} بی گمان ما قرآن را به زبان عربی قرار دادیم امید است خردورزی کنید.

۶- (لَيْتَ) برای جمله‌ای استفاده می‌شود که تحقق آن غیر ممکن است (آرزوی غیر ممکن) و به معنای (کاش، ای کاش)

است. {وَيَقُولُ الْكَافِرُ يَا لَيْتَنِي كُنْتُ تُرَابًا} و کافر می‌گوید: ای کاش من خاک بودم.

لا النَّافِيَةُ لِلْجِنْسِ: عملی شبیه به حروف مُشَبَّهَةٌ دارد و اسمش را منصوب و خبرش را مرفوع می‌کند به معنای (هیچ) با ذکر چند ویژگی:

۱- قبل از اسم جنس می‌آید پس قبل از اسم علم نمی‌آید ۲- اسم لا نفی للجنس نکره هست اما تنوین نمی‌گیرد.

۳- اسم لا (ال) نمی‌گیرد. ۴- اسم لا غالباً مضاف واقع نمی‌شود. ۵- همیشه اسم، بعد از لا می‌آید.

۶- نفی کننده کل همان جنس است.

{لَا عِلْمَ لَنَا إِلَّا مَا عَلَّمْتَنَا} جزء آنچه به ما آموخته‌ای هیچ دانشی نداریم. علم: اسم لا کنا: شبه جمله خبر لا

لا مُصِيبَةٌ أَعْظَمُ مِنَ الْجَهْلِ هیچ مصیبتی بزرگتر از نادانی نیست. مُصِيبَةٌ: اسم لا أعظم: خبر لا

انواع لا:

۱- **لا نفی:** قبل از فعل مضارع می‌آید و تغییری در اعراب آن ایجاد نمی‌کند و فقط معنای آن را منفی می‌کند.

لا يَكْتُبُ: نمی‌نویسد لا يجلسون: نمی‌نشینند أَلْعَبُ: بازی می‌کنم

۲- **لا نهی:** قبل از فعل مضارع می‌آید و فعل مضارع را مجزوم (حذف نون بجز ۶ و ۱۲) کرده و از نظر معنایی متضاد امر خواهد بود.

لا تَكْتُبُ: ننویس لا تجلسوا: ننویسید لا يَلْعَبُ: نباید بازی کند

۳- **لا به معنای نه:** در پاسخ (هَلْ و أ) می‌آید. هل أنت من الكويت؟ لا أنا من ایران

اسلوب‌های ترجمه افعال و اسما در جملات عربی:

۱- ماضی ساده: (ذَهَبَ: رفت) (ما + ماضی = كَم + مضارع - كَم يَذْهَبُ: نرفت)

۲- ماضی نقلی: (قَدْ + ماضی = گذشته + است - قَدْ ذَهَبَ: رفته است) (لَمَّا + مضارع - لَمَّا يَذْهَبُ = هنوز نرفته است)

۳- ماضی استمراری: (كان + مضارع = می + گذشته - كان يَذْهَبُ: می‌رفت)

(ماضی + مضارع (جمله وصفیّه و حالیه - رایت رجلاً (الرجل) يَلْعَبُ: بازی می‌کرد)

(لیت + ماضی = لیتَ المَعْلَمَ دَرَسَ: ای کاش معلّم درس می داد)

(کان + ماضی - گذشته + بود - کنتَ ذَهَبْتُ: رفته بودم)

۴- ماضی بعید:

ماضی + ماضی (جمله وصفیّه و حالیه) - رأيتُ رجلاً (الرجُل) قد لعبَ: بازی کرده بود)

(لیت + ماضی = لیتَ المَعْلَمَ دَرَسَ: ای کاش معلّم درس داده بود.)

۵- مضارع اخباری: (مضارع ساده - جواب شرط) يَذْهَبُ: می رود / مَنْ يَجْتَهِدُ يَنْجَحُ: موفق می شود

۶- مضارع التزامی:

* فعل شرط: مَنْ يَجْتَهِدُ يَنْجَحُ: تلاش بکند

* مضارع با لام جازمه (باید + التزامی - لِيَذْهَبُ: باید برود)

* مضارع با لا نهی غائب و متکلم (نباید + التزامی - لا يَذْهَبُ: نباید برود)

* مضارع با حروف ناصبه (أن، کی، لکی، حتی، ل - لِيَذْهَبُ: تا برود / أَنْ يَقْرَأَ: که بخواند)

* جمله وصفیه و حالیه (مضارع + مضارع) أَحَبُّ مَعْلَمًا (المَعْلَمَ) يُدْرَسُ: درس بدهد

* لیت + مضارع لیتَ المَعْلَمَ يُدْرَسُ: ای کاش معلّم درس بدهد

۷- مُسْتَقْبَل: (مُثَبَّتْ با س و سوف - سوف يَذْهَبُ: خواهد رفت / منفي با كُن - كُن يَذْهَبُ: نخواهد رفت)

۸- قَدْ: با ماضی حرف تاکید و نقلی - قَدْ ذَهَبَ: قطعاً رفته است / با مضارع حرف تقلیل «گاهی» - قَدْ يَذْهَبُ: گاهی می رود

۹- امر و نهی مخاطب از نظر دستوی درست در تضاد هم هستند: (إِذْهَبْ: برو / لا تَذْهَبْ: نرو)

۱۰- در ترجمه اسم فاعل: «وزن فاعل - م» از نده - کاتب: نویسنده / مُدْرَسٌ: درس دهنده

۱۱- در ترجمه اسم مفعول: «وزن مفعول - م» از شده یا مورد - مَكْتُوبٌ: نوشته شده / مُحْتَرَمٌ: مورد احترام

۱۲- در ترجمه اسم المبالغة: «فَعَالٌ - فَعَالَةٌ» اگر بر صفت دلالت کند از بسیار - عَفَّارٌ: بسیار آمرزنده / سَيَّارَةٌ: خودرو

۱۳- در ترجمه اسم التفضيل: «أَفْعَلٌ و فُعْلَى و خَيْرٌ و شَرٌّ» اگر بعدش مِنْ باشد تر و اگر بعدش مضاف اليه باشد ترين استفاده

می شود البته خیر و شر اگر اسم تفضیل نباشد معنای خوبی و بدی و خوب و بد می دهد.

هُوَ أَعْلَمُ مِنْكَ: او داناتر از تو است / هُوَ مِنْ أَعْلَمِ التَّلَامِيذِ: او از داناترین دانش آموزان است.

خَيْرُ النَّاسِ: بهترین مردم / انتَ خَيْرٌ مِنِّي: تو بهتر از من هستی.

* خیر و شر اگر (ال) بگیرد یا بعد از (لا) قرار گیرد و یا صفت واقع شود اسم تفضیل نیست و معنای تر و ترين ندارد.

الخَيْرُ فِي مَا وَقَعَ أَحَبُّ الْعَمَلِ الْخَيْرِ لا خَيْرَ فِي الصِّدَاقَةِ مَعَ الْكَاذِبِ

محلّ اعرابی کلمات در داخل جمله و علامت‌ها و روش‌های تشخیص:

- ۱- فاعل: بعد از فعل با علامت‌های (وَنَ اِنْ و): يُدْرَسُ الْمَعْلَمُ يَأْتِي أَبُوكَ يَلْعَبُ الطِّفْلَانِ
- ۲- مفعول: بعد از فعل با علامت‌های (يَنْ يَنْ اِ): رَأَيْتُ الطَّالِبَ عَرَفْتُ أَبَاكَ هُوَ اعطَى الْمُعَلِّمِينَ ...
- ۳- مبتدا: در اوّل جمله اسمیّه با علامت‌های (وَنَ اِنْ و): الْمَعْلَمُ ضَاحِكٌ الْمُهَنْدِسُونَ نَاجِحُونَ اخوك طالبٌ
- ۴- خبر: غالباً بعد از مبتدا با علامت‌های (وَنَ اِنْ و): الْمَعْلَمُ ضَاحِكٌ الْمُهَنْدِسُونَ نَاجِحُونَ اخوك طالبٌ
- ۵- نائب فاعل: بعد فعل مجهول با علامت‌های (وَنَ اِنْ و): قُتِلَ الْجُنُودُ يُحْتَرَمُ أَبُوكَ أُسْتُشْهِدَ الْمُجَاهِدُونَ
- ۶- اسم فعل ناقص: اسم مرفوع (وَنَ اِنْ و) بعد افعال ناقصه: كَانَ الطَّالِبُ نَشِيطاً لَيْسَ الْمَعْلَمُونَ مُتَكَاسِلِينَ
- ۷- خبر فعل ناقص: اسم منصوب (يَنْ اِ) بعد از افعال ناقصه: كَانَ الطَّالِبُ نَشِيطاً لَيْسَ الْمَعْلَمُونَ مُتَكَاسِلِينَ
- ۸- اسم حرف مشبّهة: اسم منصوب (يَنْ اِ) بعد از حروف مشبّهة: إِنَّ الطَّالِبَ نَشِيطٌ إِنَّ الطَّالِبِينَ نَشِيطَانِ
- ۹- خبر حرف مشبّهة: اسم مرفوع (وَنَ اِنْ و) بعد از حروف مشبّهة: إِنَّ الطَّالِبَ نَشِيطٌ كَانَ الشَّابُّ أَسَدٌ
- ۱۰- اسم لا نفی للجنس: اسم منصوب (لَا) بعد از لا نفی للجنس: لَا رَجُلًا نَاجِحٌ
- ۱۱- خبر لا: اسم مرفوع (وَنَ اِنْ و) بعد از اسم لا: لَا رَجُلًا نَاجِحٌ
- ۱۲- مضاف الیه: اسم مجرور (يَنْ يَنْ يِ) بعد از یک اسم بدون (ال و تنوین دار): طَالِبُ الْعِلْمِ مَدْرَسَةُ الْمَعْلَمِينَ
- ۱۳- صفت: اسم مطابق با اسم قبلش از همه نظر (حرکت - جنس - عدد - معرفه و نکره): الطَّالِبُ النَّاجِحُ مَدْرَسَةٌ نَظِيفَةٌ
- ۱۴- مجرور بحرف جرّ: اسم مجرور بعد از حروف (مِنْ - اِلَى - فِی - عَن - بَ - لَ - كَ): فِی الْمَدْرَسَةِ اِلَى

المَسْجِدِ (دو تا را با هم جار و مجرور می‌گویند)

* دانش‌آموزان عزیز در بحث محلّ اعرابی فقط اون حالاتی از نقش‌ها توضیح داده شده است که در امتحانات مد نظر هست و از بقیه حالات آن چون انواع فاعل و مفعول و خبر و نائب فاعل و ... بحث نشده است پس یادگیری محلّ اعرابی کلمات با توجه به توضیحات بالا در امتحانات جوابگوی خواسته‌های شما خواهد بود.

الوجه النافع والوجه المضرّ	الحال	الدّرسُ الثّانی
----------------------------	-------	-----------------

حال: وصفی است منصوب که حالت اسم معرفه قبل خود را بیان می کند به اسم معرفه (ذوالحال یا صاحب حال) گفته می شود حال باید با صاحب حال از نظر جنس و عدد مطابق باشد.

جاء الطلابُ فرحينَ	رأيتُ الطالبَ وَهُوَ فرحٌ	شاهدتُ التلاميذَ يفرحونَ
صاحب حال حال	صاحب حال حال	صاحب حال حال

انواع حال:

۱- **حال مفرد:** اسمی است منصوب «ین» و نکره و مشتق «وزن های فاعل - مفعول - فعلیل و ...» که حالت اسم معرفه «معرفه به ال - عَلم - ضمیر» قبل خود را بیان می کند.

يَلْعَبُ التلاميذُ مسرورينَ	رأيتُ الطالبَ مُجتهداً	قُتِلَ الجُنْدِيُّ مَظْلوماً (حال)
-----------------------------	------------------------	------------------------------------

* حال و صاحب حال از نظر معرفه و نکره با هم شبیه نیست پس اگر هر دو معرفه یا نکره بود احتمالاً صفت است نه حال.

يَلْعَبُ التلاميذُ المسرورونَ	رأيتُ طالباً مُجتهداً	قُتِلَ الجُنْدِيُّ المَظْلومُ (صفت)
-------------------------------	-----------------------	-------------------------------------

* پس هرگاه در آخر جمله اسمی بر وزن های «فاعل (مُ) و مفعول (مُ) و فعلیل و فَعِل و ...» بود و قبلش اسمی معرفه احتمالاً حال است.

* خبر مفرد افعال ناقصه که شبیه حال هست با حال اشتباه نشود. كَانَ الطالبُ ناجِحاً أصبحتُ الطالبةُ مسرورةً (خبر)

۲- **حال جمله:** هرگاه بعد از اسم معرفه (و + ضمیر منفصل مرفوع) و مطابق با اسم معرفه یا (فعل مضارع - ماضی نقلی) مطابق با اسم معرفه بیاید حال جمله است.

يَلْعَبُ التلاميذُ وَهُم مسرورونَ	رأيتُ الطالبَ يَجْتَهِدُ (وَقَدْ إجتهدَ)	شاهدتُ الطالباتِ وَهُنَّ ناجحاتٌ
-----------------------------------	--	----------------------------------

ترجمه حال مفرد:

* در ترجمه حال مفرد از (ان، انه، در حالی که، با) استفاده می کنیم. جاء الطالبُ فرحاً دانش آموز با خوشحالی آمد.

* در ترجمه حال جمله از (در حالی که) قبل جمله حالیه استفاده می کنیم. رأيتُ الطالبَ وَهُوَ مسرورٌ در حالی که خوشحال بود.

* در ترجمه حال مفرد و صفت دقت کنید:

شاهدتُ المعلمينَ المُجتهدينَ (صفت): معلمان تلاشگر را دیدم شاهدتُ المعلمينَ مُجتهدينَ: معلمان را تلاشگر دیدم (حال)

ترجمه جملات فعلیه حالیه:

۱- ماضی + مضارع (جمله حالیه) = ماضی استمراری: جاء الطالبُ يفرحُ: دانش آموز آمد در حالی که شادی می کرد.

۲- ماضی + ماضی نقلی (جمله حالیه) = ماضی بعید: رأيتُ التلميذَ وقد فرحَ: دانش آموز را دیدم در حالی که شادی کرده بود.

۳- مضارع + مضارع (جمله حالیه) = التزامی یا اخباری: أرى الطلابَ يفرحونَ: می بینم دانش آموزان را در حالی که شادی می کنند.

مثال های حال:

إشغَلَ منصورٌ في المزرعةِ شيطاً (حال مفرد) وقَفَ المهندسُ الشابُّ في المصنعِ مُبَسِّمًا (حال مفرد)

منصور در مدرسه با نشاط کار کرد.

مهندس جوان لبخندزنان در کارخانه ایستاد.

اللاعبونَ الإيرانيونَ رجَعُوا مِنَ الْمُسَابَقَةِ مُبْتَسِمِينَ (حال مفرد) هاتانِ البنتانِ قامتا بجولةٍ علميةٍ مُبْتَسِمَتَيْنِ (حال مفرد)

بازیکنان ایرانی لبخند زنان از مسابقه برگشتند.

این دو دختر لبخندزنان به گردش علمی پرداختند.

وَصَلَ الْمُسَافِرَانِ إِلَى الْمَطَارِ مُتَأَخِّرِينَ (حال مفرد) يُشَجِّعُ الْمُتَفَرِّجُونَ فَرِيقَهُمُ الْفَائِزَ فَرِحِينَ (حال مفرد)

مسافران با تاخیر به فرودگاه رسیدند.

تماشاچیان تیم برنده شان را با خوشحالی تشویق می کنند.

تَجْتَهِدُ الطَّالِبَةُ فِي أَدَاءِ واجباتِها راضيةً (حال مفرد) الطَّالبتانِ تَقْرآنِ دُروسَهُما مُجَدِّتَيْنِ (حال مفرد)

دانش آموز در انجام تکالیفش با خشنودی تلاش می کند.

دانش آموزان با تلاش درس هایشان را می خوانند.

رَأَيْتُ الْفَلَّاحَ وَهُوَ يَجْمَعُ الْمَحْصُولَ (حال جمله) أشاهدُ قاسمًا وَهُوَ جالِسٌ بَيْنَ الشَّجَرَتَيْنِ (حال جمله)

کشاورز را دیدم در حالی که محصول را جمع می کرد.

قاسم را می بینم در حالی که بین دو درخت نشسته است.

نظام الطبيعة	المفعول المطلق	الدرس الرابع
--------------	----------------	--------------

مفعول مطلق: مصدری است منصوب هم ریشه فعل که فعل جمله را تأکید و یا چگونگی انجام آن را بیان می کند.
 {سْتَغْفَرْتُ اللَّهَ إِسْتِغْفَارًا} از خدا بی گمان آمرزش خواستم. {سْتَغْفَرْتُ اللَّهَ إِسْتِغْفَارًا صَادِقًا} از خدا صادقانه آمرزش خواستم.

انواع مفعول مطلق:

۱- مفعول مطلق تأکیدی: مصدر منصوب هم ریشه فعل بدون صفت و مضاف الیه که فعل را تأکید می کند.
 {كَلَّمَ اللَّهُ مُوسَى تَكْلِيمًا}: خدا با موسی قطعاً سخن گفت. {وَأَنْزَلَ الْمَلَائِكَةَ النَّزِيلَ}: و فرشتگان قطعاً فرود آورده شدند.

مفعول مطلق تأکیدی / مفعول مطلق تأکیدی

۲- مفعول مطلق نوعی: مصدر منصوب هم ریشه فعل با صفت یا مضاف الیه که نوع انجام فعل را بیان می کند.
 {فَاصْبِرْ صَبْرًا جَمِيلًا}: پس به زیبایی صبر کن. {سْتَغْفَرْتُ اللَّهَ إِسْتِغْفَارَ الصَّالِحِينَ} از خدا مانند درستکاران آمرزش خواستم.

مفعول مطلق نوعی / صفت / مفعول مطلق نوعی / مضاف الیه

* مصادر ثلاثی مزید بر وزن های (إفعال / تفعیل / مُفاعلة / إفعال / إنفعال / تَفَعُّل / تَفَاعُل / إِسْتِفعال) می آید مثل:
 إرسال / تعلیم / مُساعدة / افتخار / إنسحاب / تَقَدُّم / تَعَارُف / إِسْتِخدام

* برخی از مصادر افعال مجرد ثلاثی (صَبَرَ - صَبْرًا / ذَكَرَ - ذِكْرًا / هَجَمَ - هُجُومًا / فَتَحَ - فَتْحًا / خَرَجَ - خُرُوجًا / ظَلَمَ - ظُلْمًا / قَرَأَ: قِرَاءَةً / طَارَ - طَيْرَانًا / عَاشَ - عَيْشًا / نَامَ - نَوْمًا / ذَهَبَ - ذَهَابًا / جَلَسَ - جُلُوسًا / ضَرَبَ - ضَرْبًا)

ترجمه مفعول مطلق:

۱- مفعول مطلق تأکیدی: از قیود تأکیدی (قطعاً، بی شک، حتماً) قبل فعل استفاده می شود.
 {إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْقُرْآنَ تَنْزِيلًا}: براستی که ما قرآن را بر تو قطعاً (بتدریج) نازل کردیم.

۲- مفعول مطلق نوعی:

الف- نوعی با مضاف الیه: از کلماتی چون (همچون و همانند) قبل از مضاف الیه در ترجمه استفاده می کنیم.
 نَاجِيَةٌ رَبِّي مُنَاجَاةَ الْخَائِفِينَ (مفعول مطلق نوعی / مضاف الیه) پروردگارم را همچون ترسویمان مناجات کردم.

ب- نوعی با صفت: از معنای خود صفت قبل از فعل در ترجمه استفاده می شود.
 خَرَجْتُ مِنَ الْبَيْتِ خُرُوجًا سَرِيعًا (مفعول مطلق / صفت) از خانه با سرعت خارج شدم.